رویش روان شناسی، سال۱۲، شماره۱۱، شماره پیاپی ۹۲، بهمن ۱۴۰۲
Rooyesh-e-Ravanshenasi Journal(RRJ),12(11), 2024

نقش میانجی عزت نفس در رابطه بین سبک‌های فرزندپروری و سازگاری تحصیلی

The Mediating Role of Self-Esteem in the relationship between Parenting Styles and Educational Adjustment

فاطمه فیض‌بخش رانکوهی (نویسنده مسئول)
کارشناسی ارشد روانشناسی تربیتی، گروه روانشناسی، موسسه آموزش عالی رحمان، رامسر، ایران.
معصومه ملکی پیربازاری
استادیار، گروه روانشناسی، موسسه آموزش عالی رحمان، رامسر، ایران.
فاطمه عشورنژاد
مدرس مدعو، گروه روانشناسی، موسسه آموزش عالی رحمان، رامسر، ایران.

Fatemeh Feyzbakhsh Rankouhi*
Master in Educational Psychology, Department of Psychology, Rahman Institute of Higher Education, Ramsar, Iran. *feyzbakhshfatemeh@gmail.com*
Masoume Maleki Pirbazari
Assistant Professor, Department of Psychology, Rahman Institute of Higher Education, Ramsar, Iran.
Fatemeh Ashournejad
University Lecturer, Department of Psychology, Rahman Institute of Higher Education, Ramsar, Iran.

چکیده

هدف پژوهش حاضر، تعیین نقش میانجی عزت نفس در رابطه بین سبک-های فرزندپروری و سازگاری تحصیلی بود. پژوهش حاضر توصیفی-همبستگی به روش معادلات ساختاری بود. جامعه پژوهش شامل تمامی دانش‌آموزان دختر دوره‌ی متوسطه اول شهر رودسر در سال تحصیلی ۱۴۰۱–۱۴۰۰ بودند و از این جامعه، ۳۰۰ نفر به روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چند مرحله‌ای انتخاب شدند. برای جمع‌آوری داده‌ها از پرسشنامه سبک‌های فرزندپروری (بامریند، ۱۹۷۳، PSI)، پرسشنامه عزت نفس روزنبرگ (۱۹۶۵، RSES) و پرسشنامه سازگاری تحصیلی (بیکر و سریاک، ۱۹۸٤، SACQ) استفاده شد. برای تجزیه و تحلیل داده‌های پژوهش از مدل‌یابی معادلات ساختاری استفاده شد. نتایج نشان داد سبک فرزندپروری مقتدرانه و استبدادی بر سازگاری تحصیلی اثر مستقیم دارند (۰/۰۵)؛ در حالی که سبک سهل‌گیرانه اثر معنادار مستقیم بر سازگاری تحصیلی ندارد. از سوی دیگر نتایج نشان داد عزت نفس اثر مستقیم بر سازگاری تحصیلی دارد (۰/۰۵ ≥P). همچنین تمامی سبک‌های فرزندپروری دارای اثر غیر مستقیم بر سازگاری تحصیلی از طریق نقش میانجی عزت نفس دارند (۰/۰۵ ≥P). مدل نهایی نیز از برازش خوبی برخوردار بود. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت برای افزایش سازگاری تحصیلی در دانش‌آموزان، باید به سبک‌های فرزندپروری والدین و به ویژه عزت نفس دانش‌آموزان توجه شود.

واژه‌های کلیدی: *سازگاری تحصیلی، سبک‌های فرزندپروری، عزت نفس، والدین، دانش‌آموزان.*

Abstract

The present study aimed to determine the mediating role of self-esteem in the relationship between parenting styles and academic adjustment. The current research was descriptive-correlation based on structural equations. The research population included all female students of the first secondary school in Rodsar City in the academic year of 2021-2022, and 300 people were selected from this population by multi-stage cluster sampling method. To collect data, parenting styles inventory (Bamrind, 1973, PSI), Rosenberg self-esteem scale (1965, RSES) and the student adjustment to college questionnaire (Baker and Seriak, 1984, SACQ) were used. Structural equation modeling was used to analyze the research data. The results showed that authoritarian and authoritarian parenting styles have a direct effect on academic adjustment (0.05); While the permissive style does not have a significant direct effect on academic adjustment. On the other hand, the results showed that self-esteem has a direct effect on academic adjustment (P≤0.05). Also, all parenting styles have an indirect effect on academic adjustment through the mediating role of self-esteem (P≤0.05). The final model also had a good fit. Therefore, it can be concluded that to increase the academic adaptation of students, attention should be paid to the parenting styles of parents and especially the self-esteem of students.

.***Keywords***: *academic adjustment, parenting styles, self-esteem, parents, students.*

نوع مقاله : کاربردی | **دریافت :** تیر ۱۴۰۲ | **پذیرش:** شهریور ۱۴۰۲ | **ویرایش نهایی:** بهمن ۱۴۰۲

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-10-09]

مقدمه

یادگیری و آموزش از ملزومات ضروری رشد همه جانبه هر دانش‌آموزی است. انسان در برخورد با دنیای اطراف خود مسائل و مشکلات متنوع و ناشناخته‌ای را تجربه می‌کند که برای یافتن پاسخ به خواسته‌های خودش، نیاز به تعامل و سازگاری[۱] با محیط و دنیای پیرامون خود دارد. محیط مدرسه از جمله حوزه‌های اجتماعی تاثیرگذار بر زندگی دانش‌آموزان می‌باشد؛ بنابراین سازگاری در مدرسه می‌تواند در جهت رشد وی تاثیرات مثبت و منفی داشته باشد (شاه کرمی و همکاران، ۱۴۰۱). با بهره‌گیری از سازگاری، یک فرد این امکان را می‌یابد تا میان خود و محیط اجتماعی‌اش رابطه‌ی سالم برقرار کند. سازگاری در محیط مدرسه از رفتارهای اجتماعی و توانمندی دانش‌آموزان در انطباق با شرایط نشأت گرفته و شامل مشارکت فعال آن‌ها در فعالیت‌های مدرسه، رعایت قوانین و روابط با سایرین می‌گردد (مُلو[۲] و همکاران، ۲۰۲۲). براساس نظریه بیکر و سریک یکی از ابعاد توانایی دانش‌آموزان برای انطباق موفقیت‌آمیز با محیط مدرسه، سازگاری تحصیلی است، که به نحوه رسیدگی به خواسته‌های در ارتباط به کار تحصیلی خود مربوط می‌شود (مانند نوشتن مقاله، انجام تکالیف، در حال مطالعه).

از متغیرهای مرتبط با سازگاری تحصیلی دانش‌آموزان، سبک‌های فرزندپروری[۳] می‌باشد. طیف وسیعی از تعاریف برای سبک‌های فرزندپروری وجود دارد، به عنوان نمونه ژنگ[۴] و همکاران (۲۰۲۳) سبک‌های فرزندپروری را شامل الگوهای رفتاری گسترده والدین می‌داند که سعی در کنترل و اجتماعی کردن فرزندان دارد. همچین این متغیر به عنوان شیوه برخورد والدین با خواسته‌های فرزندان یا مطالباتشان تعریف می‌شود که از این حیث، تعیین‌کننده‌ی چارچوب مقررات معین شده برای فرزندان، فرآیندهای پاداش و تنبیه، و نهایتاً تعامل مابین والدین با فرزنداشان می‌گردد (ونگ[۵] و همکاران، ۲۰۲۲). رخشانی و همکاران (۲۰۲۲) نیز سبک‌های فرزندپروری را به صورت کلی، مجموعه یا ساز و کاری از رفتارها در تعامل بین والدین و فرزندان توصیف می‌کنند. تحقیقات نشان می‌دهد که مشارکت قابل توجه والدین با دانش‌آموزان از سنین پایین، سال‌ها بعد با بهبود سازگاری اجتماعی و عاطفی دانش‌آموزان، تأثیر خود را ادامه می‌دهد (راتوس[۶]، ۲۰۱۷؛ به نقل از مون‌سئو[۷]، ۲۰۲۱). در واقع والدین اولین مربی فرزندشان هستند، به همین علت آن‌ها به عنوان «نخستین بازیگر» موفقیت دانش‌آموزان در مدرسه شناخته می‌شوند (ون‌پتگم[۸] و همکاران، ۲۰۱۷؛ به نقل از راتل و همکاران، ۲۰۲۱). اولین شخصی که سبک‌های فرزندپروری را برپایه‌ی اصول مناسب و روش‌های استاندارد، براساس فرآیندی که والدین برای تربیت فرزندان خود استفاده می‌کنند، تدوین نمود، دیانا بامریند بود (زهرا و نعیم[۹] ، ۲۰۲۱). ونگ و همکاران (۲۰۲۲) تقسیم‌بندی سه‌گانه بامریند[۱۰] در مورد سبک‌های فرزندپروری والدین را به صورت پیش‌رو توضیح می‌دهند: والدین دارای سبک اقتداری[۱۱] سطوح بالایی از صمیمیت و پاسخگویی نسبت به فرزندان خود نشان می‌دهند و در عین حال از آن‌ها انتظار دارند تا رفتارهای بالغانه بروز دهند. در مقابل، سبک فرزندپروری استبدادی[۱۲] شامل پاسخگویی کم و بهره‌گیری گسترده از حربه اجبار است. والدین مستبد، از صمیمیت و پذیرش کم برخوردارند و استقلال فرزندان خود را مهار می‌کنند. والدین سهل‌گیر[۱۳] مطالبه‌گری کم و پاسخگویی زیادی دارند. والدین سهل‌گیر سعی می‌کنند در قبال خواسته‌ها و اعمال فرزندانشان رفتاری غیرتنبیهی و پذیرشگر داشته باشند و به فرزندانشان اجازه دهند تا حد امکان فعالیت‌هایشان را خود تنظیم کنند (ونگ و همکاران، ۲۰۲۲).

خانواده نخستین جایگاهی است که پیوند بین کودک و محیط اطراف او را به وجود می‌آورد، و نگرش‌ها، اخلاق، روحیات و حتی عزت نفس[۱۴] او را هم شکل می‌دهد. سبک‌های فرزندپروری با عزت نفس کودکان مرتبط است و عزت نفس با سازگاری تحصیلی ارتباط مثبت دارد (مون‌سئو[۱۵] و همکاران، ۲۰۲۱). در کنار مزایای سبک‌های فرزندپروری، خودپنداره مثبت دانش‌آموزان عامل مهمی برای هدایت سطوح

1.adjustment
2. Molu
3. Parenting Styles
4. Zhang
5. Wang
6. Rathus
7. Moon-Seo
8. Vanpatgam
9. Zahra & Naeem
10. Baumrind
11. Authoritative
12. Authoritarian
13. Permissive
14. Self-Esteem
15. Moon-Seo

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-10-09]

بالاتر سازگاری اجتماعی، عاطفی و تحصیلی در نظر گرفته می‌شود (مون‌سئو و همکاران، ۲۰۲۱). عزت نفس به عنوان تصوری که فرد از خود دارد شناخته می‌شود. این مؤلفه از طریق تجربیات محیطی شکل می‌گیرد (مارتینز[1] و همکاران، ۲۰۲۱). در واقع عزت نفس به این اشاره دارد که افراد چگونه خود را به عنوان یک کل ارزیابی می‌کنند (برگر[2] و همکاران، ۲۰۲۱). با توجه به بررسی ادبیات و پیشینه پژوهش، تحقیقاتی در این راستا صورت گرفته است. از جمله آدگ‌بویگا[3] و همکاران (۲۰۱۷) در پژوهش خود نشان دادند که نوجوانان با توجه به ویژگی‌های انواع سبک‌های فرزندپروری در محیط خانواده‌هایشان، از لحاظ سازگاری اجتماعی تفاوت قابل توجهی دارند. مارتینز و همکاران (۲۰۲۱) در پژوهش خود نشان دادند که سبک‌های فرزندپروری از طریق نقش میانجی عزت نفس بر سازگاری نوجوانان اثرگذار است. مُلو و همکاران (۲۰۲۲) نیز در پژوهش خود نشان دادند که الگوهای ارتباطی در خانواده بر سازگاری دانش‌آموزان از تاثیر قابل توجهی برخوردار است. در پژوهش دیگر امامی میبدی و همکاران (۱۴۰۲) نشان دادند که عزت نفس نوجوانان از رابطه والد- فرزندی اثر می‌پذیرد.

با توجه به اینکه یکی از دوره‌های مهم و اثرگذار در سال‌های تحصیل، مقطع متوسطه است، توجه به عواملی که در سازگاری تحصیلی دانش‌آموزان در این دوره اثر دارد، از اهمیت به سزایی برخوردار است. مرور پیشینه پژوهش نشان داد که سازگاری تحصیلی دانش‌آموزان با سبک‌های فرزندپروری والدین و همچنین با عزت نفس آنان رابطه دارد. از طرفی عزت نفس با سازگاری تحصیلی دانش‌آموزان مرتبط است. تعمق در این روابط نشان می‌دهد که احتمالاً عزت نفس می‌تواند، اثر سبک‌های فرزندپروری والدین بر سازگاری تحصیلی دانش‌آموزان را تقویت نماید. بنابراین شناخت این نقش میانجی اهمیت عزت نفس را در ارتباط سازگاری تحصیلی دانش‌آموزان نشان داده و لزوم پرداختن به آن را برجسته تر می‌سازد. لذا پژوهش حاضر با هدف تعیین نقش میانجی عزت نفس در رابطه بین سبک‌های فرزندپروری و سازگاری تحصیلی در دانش‌آموزان دختر مقطع متوسطه شهر رودسر انجام شد.

روش

پژوهش حاضر توصیفی- همبستگی به روش مدل‌یابی معادلات ساختاری بود. جامعه آماری پژوهش شامل تمامی دانش‌آموزان دختر دوره‌ی متوسطه اول شهر رودسر بود که در سال تحصیلی ۱۴۰۱-۱۴۰۰ مشغول به تحصیل بودند. از آنجا که در این پژوهش، روش تجزیه و تحلیل داده‌ها مدل‌یابی معادلات ساختاری است و در این روش تعیین حجم نمونه می‌تواند بین ۵ تا ۱۵ مشاهده به ازای هر متغیر اندازه‌گیری شده باشد (هومن، ۱۳۸۴)، بنابراین حجم نمونه ۳۰۰ نفر تعیین و با روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چند مرحله‌ای انتخاب شدند. ابتدا به صورت تصادفی خوشه‌ای از بین مدارس شهر رودسر سه مدرسه به تصادف انتخاب شد و سپس از هر مدرسه کلاس‌های مربوط به پایه‌های تحصیلی هفتم، هشتم و نهم در نظر گرفته شد. سپس پرسشنامه‌های پژوهش توسط اعضای نمونه تکمیل گردید. ملاک‌های ورود به پژوهش داشتن رضایت آگاهانه برای شرکت در پژوهش و عدم وجود اختلالات روانشناختی مثل اختلال یادگیری خاص، بود که با مراجعه به پرونده سلامت دانش‌آموزان بررسی شد. همچنین ملاک خروج از پژوهش انصراف شرکت‌کنندگان از تکمیل پرسشنامه‌ها و پرسشنامه‌های ناقص بود. به علت شیوع بیماری کرونا در زمان اجرای پژوهش، تمامی دانش‌آموزان به صورت همزمان در مدرسه حضور نداشتند و به دو شیفت تقسیم شدند. بنابراین پرسشنامه‌های مورد نظر طی دو نوبت در اختیارشان قرار گرفت. به منظور رعایت اصول اخلاقی، در ابتدای پرسشنامه اهداف پژوهش ذکر شده بود و به شرکت‌کنندگان در پژوهش اطمینان داده شده بود که هویتشان نامشخص خواهد ماند و اطلاعات اخذ شده صرفاً در اختیار پژوهشگر قرار خواهد گرفت؛ به منظور رعایت حریم خصوصی، نام و نام خانوادگی شرکت‌کنندگان ثبت نشد. سپس از پاسخ‌دهندگان تقاضا گردید در صورت رضایت به شرکت در پژوهش، صادقانه و با دقت به پرسشنامه پاسخ دهند. جهت تجزیه و تحلیل داده‌ها از ضریب همبستگی پیرسون و مدل‌یابی معادلات ساختاری و نرم افزار SPSS نسخه ۲۲ و Smart PLS نسخه ۳ استفاده شد.

1. Martinez
2. Burger
3. Adegboyega

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-10-09]

ابزار سنجش

پرسشنامه سبک‌های فرزندپروری (PSI)[1] پرسشنامه سبک‌های فرزندپروری توسط بامریند[2] (۱۹۷۳) اقتباسی است از نظریه اقتدار والدین که براساس نظریه «بامریند» از سه الگوی آزاد گذاری، استبدادی و اقتدار منطقی والدین جهت بررسی الگوهای نفوذ و شیوه‌های فرزند پروری ساخته شده است. فرم اولیه این پرسشنامه دارای ۳۰ ماده است که توسط بامریند در سال ۱۹۷۲ طراحی و ساخته شده است. ۱۰ ماده آن به شیوه آزاد گذاری مطلق، ۱۰ ماده به شیوه استبدادی و ۱۰ ماده دیگر به شیوه اقتدار منطقی والدین در امر پرورش فرزند مربوط می‌شود. این پرسشنامه به صورت طیف لیکرت ۵ درجه‌ای (کاملاً موافقم، تقریبا موافقم، مطمئن نیستم، تقریباً مخالفم، کاملاً مخالفم). با جمع نمره‌های سوال‌های مربوط به هر سبک فرزندپروری و تقسیم آن بر تعداد سوالات، نمره مجزا برای آن سبک به دست می‌آید. بوری[3] (۱۹۹۱) برای بررسی روایی این پرسشنامه از روش «افتراقی» استفاده نمود و مشاهده کرد که شیوه استبدادی رابطه منفی با سهل‌گیری «r=۰/۳۸» و اقتدار منطقی «r=۰/۴۸»دارد ولی شیوه سهل‌گیری رابطه معنی داری با شیوه اقتدار منطقی نداشت «r=۰/۷» بورای (۱۹۹۱) برای محاسبه پایایی از روش «باز آزمایی با فاصله زمانی دو هفته» استفاده کرد و نتایج زیر را بدست آورد: ۰/۸۱ برای شیوه سهل‌گیرانه، ۰/۸۶ برای شیوه استبدادی، ۰/۸۷ برای شیوه اقتداری. او همچنین «همسانی درونی» را با استفاده از فرمول «آلفای کرونباخ» محاسبه نمود که ۰/۷۵ برای شیوه سهل‌گیری ۰/۸۵ برای شیوه استبدادی و ۰/۸۲ برای شیوه اقتدارمنطقی به دست آورد (بورای،۱۹۹۱). در پژوهش مینایی و نیک زاد (۱۳۹۶) ساختار عاملی پرسشنامه، بر اساس شاخص‌های برازش و شاخص های بهبود در تحلیل عاملی تاییدی مورد آزمون قرار گرفت و یافته‌ها نشان داد در پرسشنامه شیوه‌های فرزندپروری به استثنای ماده‌های ۲۴، ۸، ۱۳ و ۱۸، بقیه ماده‌ها عوامل از پیش تعیین شده پرسشنامه را می‌سنجند و سوالات پرسشنامه، دارای روایی نسبتاً مطلوبی هستند. شاخص‌های برازش تحلیل عامل تاییدی مدل اینگونه بود؛ شاخص خی دو به درجه آزادی برابر ۱/۶۷، ضریب شاخص ریشه میانگین مجذورات خطای تقریب ۰/۰۵، شاخص برازش هنجار شده ۰/۶۲، شاخص برازش تطبیقی برابر با ۰/۸۰، شاخص نیکویی برازش اصلاح شده برابر با ۰/۸۵ ، شاخص نیکویی برازش برابر با ۰/۸۷ به دست آمده است.. همچنین برای محاسبه اعتبار کل پرسشنامه از آلفای طبقه ای و برای محاسبه اعتبار خرده مقیاسها از ضریب گاتمن استفاده گردید. اعتبار کل پرسشنامه با استفاده از آلفای طبقه‌ای ۰/۶۵ و ضریب اعتبار گاتمن برای سبک سهل‌گیر ۰/۶۲، سبک اقتداری ۰/۷۵ و سبک استبدادی ۰/۷۴ به دست آمد (مینایی و نیک زاد، ۱۳۹۶). ضریب آلفای کرونباخ در پژوهش حاضر برای شیوه سهل‌گیری ۰/۸۹، شیوه استبدادی ۰/۸۵ و شیوه اقتدار منطقی ۰/۸۸ به دست آمد.

مقیاس عزت نفس (RSES)[4] مقیاس عزت نفس در سال ۱۹۶۵ توسط روزنبرگ[5] ساخته شد. این پرسشنامه متشکل از ۱۰ ماده است که احساسات مثبت و منفی فرد درباره خودش را می‌سنجد. بر اساس اظهارات سازنده آن، این ابزار یک مقیاس تک عاملی است هر چند در سال‌های گذشته بر دو عامل مثبت و منفی در آن تأکید می‌کنند (هویزین[6] و همکاران، ۲۰۱۱). برای نمره‌گذاری این مقیاس چندین روش مختلف پیشنهاد شده است که در برخی از آن‌ها به صورت طیف لیکرت چهارگزینه‌ای (کاملاً موافقم تا کاملاً مخالفم) و در برخی دیگر به صورت دو گزینه‌ای (موافقم و مخالفم) نمره‌گذاری می‌شود. در ایران فرم دوم این مقیاس آماده شده و به صورت موافقم و مخالفم نمره‌گذاری می‌شود. گرینبرگ[7] و همکاران (۲۰۰۳) همبستگی مقیاس روزنبرگ با آزمون رضایت از زندگی در یک گروه از نوجوانان ۰/۴۳ و در یک نمونه از دانشجویان ۰/۵۴ گزارش کرده‌اند. همچنین در پژوهش گرینبرگ و همکاران (۲۰۰۳) روی ۱۹۷ دانشجو همسانی درونی این مقیاس ۰/۸۴و ضرایب پایایی بازآزمایی مقیاس عزت نفس روزنبرگ برای ۷۸ دانشجو (با فاصله زمانی ۲ هفته) ۸۴/۰ و بر روی ۸۲ دانشجو (با فاصله زمانی ۵ ماه) ۰/۶۷و بر روی ۸۱ دانشجو (با فاصله زمانی ۱ سال) ۰/۶۲ گزارش شده که همگی معنی دار بودند. در پژوهش جوشن‌لو و قائدی (۱۳۸۷) همسانی درونی این مقیاس ۰/۸۳ به دست آمد. همچنین در پژوهش آنان، برای بررسی روایی مقیاس از روش تحلیل عاملی اکتشافی و تحلیل عاملی تاییدی استفاده شد و نتایج نشان داد این مقیاس در ایران از ساختار دو عاملی برخوردار است. این دو عامل شامل عدم تحقیر خود و دوست‌داری خود است که اولی بر حسب میزان واریانسی که تبیین می‌کند (۲۰/۸۹) به مراتب از دومی (۱۲/۳۸) مهم‌تر است. همچنین در پژوهش حاضر همسانی درونی آزمون به روش کودر ریچاردسون، ۰/۷۵ به دست آمد.

1. Parenting style inventory
2. Diana Baumrind
3. Burai
4. Rosenberg Self-Esteem Scale
5. Rosenberg
6. Huis in
7. Greenberger

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-10-09]

پرسشنامه سازگاری تحصیلی (SACQ)[1] پرسشنامه سازگاری تحصیلی در واقع خرده مقیاسی از پرسشنامه سازگاری با دانشگاه است که توسط بیکر و سریاک[2] (۱۹۸۴) ساخته شده است. مقیاس سازگاری با دانشگاه ۶۵ سوال و ۴ خرده مقیاس به نام‌های سازگاری تحصیلی، سازگاری اجتماعی، سازگاری فردی-عاطفی و دلبستگی سازمانی دارد. در این پژوهش خرده مقیاس سازگاری تحصیلی با ۲۴ گویه مورد استفاده قرار گرفته است این پرسشنامه، یک مقیاس لیکرت هفت درجه‌ای (اصلاً تا کاملاً) می باشد و هر ماده دارای ارزشی بین ۱ تا ۷ (از اصلاً تا کاملاً) است. بیکر و سریاک (۱۹۹۹) دامنه ضریب آلفای کرونباخ را برای سازگاری تحصیلی بین ۰/۸۱ تا ۰/۹۰ گزارش کرده اند. در پژوهش بیرز و گوسنز [3](۲۰۰۲) روایی همزمان پرسشنامه سازگاری تحصیلی با مقیاس‌های دیگر ارزیابی سازگاری مثل انگیزه تحصیلی ۰/۶۸ و با مقیاس سازگاری عمومی ۰/۵۱به دست آمده است. پایایی این پرسشنامه با استفاده از روش آلفای کرونباخ در پژوهش‌های میکائیلی منیع (۱۳۸۸)، زارعی و همکاران (۱۳۹۱) و محمدی و همکاران (۱۳۹۵) به ترتیب ۰/۸۴، ۰/۸۳ و ۰/۸۶ به دست آمده است. در پژوهش نوشادی و شیخ الاسلامی (۱۳۹۶) برای بررسی روایی پرسشنامه سازگاری تحصیلی از محاسبه همبستگی نمرات چهار خرده مقیاس سازگاری از جمله سازگاری تحصیلی با کل سوالات پرسشنامه سازگاری با دانشگاه استفاده شد و دامنه ضرایب از ۰/۷ تا۰/۹۱ به دست آمد است. در پژوهش حاضر ضریب آلفای کرونباخ، ۰/۸۳ به دست آمد.

یافته ها

این پژوهش بر روی ۳۰۰ دانش‌آموز دختر متوسطه اول با میانگین سنی ۱۳/۸۶ و انحراف معیار ۰/۹۱ انجام شد. ۳۲/۶۷ درصد از دانش آموزان پایه هفتم، ۳۵/۶۶ درصد پایه هشتم و ۲۹ درصد پایه نهم بودند.

در جدول ۱ آماره‌های توصیفی شامل شاخص های میانگین، انحراف معیار، کجی و چولگی و ماتریس همبستگی متغیرهای پژوهش آورده شده است.

جدول ۱: آماره‌های توصیفی و ماتریس همبستگی متغیرهای پژوهش

ردیف	متغیرهای پژوهش	میانگین	انحراف معیار	کجی	کشیدگی	۱	۲	۳	۴	۵
۱	سازگاری تحصیلی	۹۷/۸۵	۱۳/۴۲۴	۰/۶۰۲	۰/۵۹۰	۱				
۲	سبک سهل‌گیرانه	۳۲/۱۹	۶/۲۰۲	-۰/۰۳۶	-۰/۱۳۸	-۰/۱۲*	۱			
۳	سبک استبدادی	۲۶/۹۳	۶/۸۰۵	۰/۲۰۸	-۰/۳۸۲	-۰/۰۰۴	۰/۱۳*	۱		
۴	سبک قاطع و اطمینان‌بخش	۳۷/۳۵	۸/۶۱۷	-۰/۶۲۵	-۰/۶۸۰	۰/۴۲**	-۰/۱۵*	-۰/۴۶**	۱	
۵	عزت نفس	۵/۸۷	۱/۳۶۶	۰/۳۹۵	۰/۷۷۰	۰/۰۷	-۰/۱۱	-۰/۱۶**	۰/۱۹**	۱

P<۰/۰۵* P<۰/۰۱**

با توجه به جدول ۱ سازگاری تحصیلی با سبک سهل‌گیرانه رابطه منفی معنادار، و با سبک قاطع رابطه مثبت معنادار دارد. سبک سهل‌گیرانه با سبک استبدادی رابطه مثبت معنادار و با سبک قاطع رابطه منفی معنادار دارد. سبک استبدادی با سبک قاطع و عزت نفس رابطه منفی معنادار دارد. سبک قاطع با عزت نفس رابطه مثبت معنادار دارد.

برای آزمون مدل پیشنهادی مفروضه‌ها مورد بررسی قرار گرفتند. براساس نتایج حاصل از آزمون کلموگروف- اسمیرنوف، سطح معناداری برای تمامی متغیرهای پژوهش به جز سبک سهل‌گیرانه، کوچکتر از مقدار ۰/۰۵ است. در نتیجه تمامی متغیرهای پژوهش به‌جز سبک سهل‌گیرانه، دارای توزیع غیرنرمال می‌باشند. میان متغیرهای این پژوهش می‌توان همخطی چندگانه[4] مشاهده کرد؛ این امر منجر می‌شود تا اثر حاصل از یک متغیر درون‌زا بر متغیر برون‌زا، مشابه اثر سایر متغیرهای درون‌زای دیگر نیز باشد و این امر استفاده از مدل رگرسیونی استاندارد را با خطای زیادی مواجه کرده و نتایج آن را از اعتبار ساقط می‌کند. به منظور جلوگیری از این مسئله از رگرسیون حداقل مربعات جزئی (PLS) و نرم افزار مربوط به آن (Smart PLS) بهره‌گیری شد. برای آزمون معناداری ضرایب مسیر با استفاده از روش بوت استراپ

1. The Student Adjustment to College Questionnaire
2. Baker & Siryk
3 . Beyers & Gossens
4. Multicollinearity

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-10-09]

مقادیر آزمون تی-استیودنت محاسبه شده است. مقادیر آزمون تی-استیودنت اگر مقداری بزرگتر از ۱/۹۶ باشد، ضریب مسیر در سطح ۰/۰۵ معنادار است. ضرایب مسیر و نتایج مربوط به معناداری آن‌ها در جدول ۲ داده شده است.

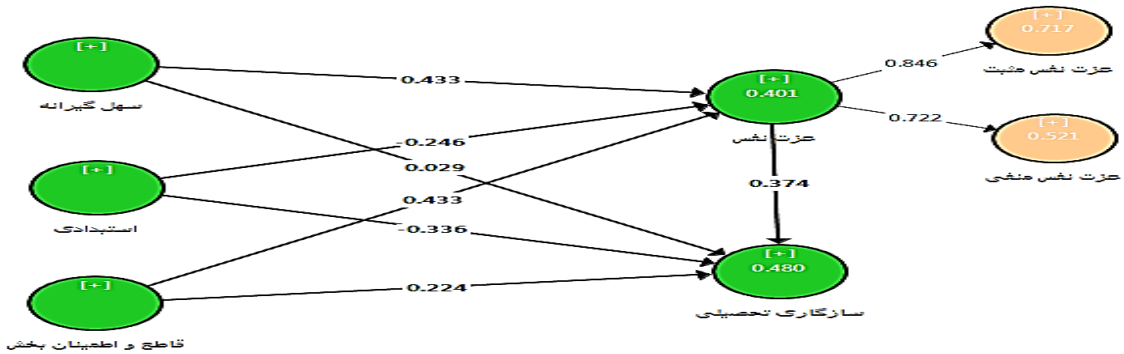

شکل ۱. مدل نهایی پژوهش حاضر به همراه ضرایب مسیر استاندارد

با توجه به شکل ۱، عزت نفس در رابطه میان سبک‌های فرزندپروری و سازگاری تحصیلی نقش میانجی دارد. بدین معنا که سبک‌های فرزندپروری بر عزت نفس اثر گذاشته و عزت نفس هم بر سازگاری تحصیلی اثر می‌گذارد. بنابراین اثر سبک‌های فرزندپروری بر سازگاری تحصیلی از طریق عزت نفس تقویت می‌شود.

جدول ۲. ضریب مسیر مستقیم متغیرهای پژوهش

ردیف	مسیر	مدل نهایی برآورد استاندارد β	برآورد استاندارد B	نسبت بحرانی	سطح معناداری
۱	سهل‌گیرانه ← عزت نفس	۰/۴۳۳	۰/۴۵۰	۵/۸۱۲	۰/۰۰۱
۲	استبدادی ← عزت نفس	-۰/۲۴۶	-۰/۲۶۷	۲/۱۲۵	۰/۰۱
۳	قاطع ← عزت نفس	۰/۴۳۳	۰/۴۴۹	۵/۴۵۹	۰/۰۰۱
۴	سهل‌گیرانه ← سازگاری تحصیلی	۰/۰۲۹	۰/۰۶۵	۰/۲۷۵	۰/۰۶
۵	استبدادی ← سازگاری تحصیلی	-۰/۳۳۶	-۰/۳۴۵	۴/۱۳۵	۰/۰۰۱
۶	قاطع ← سازگاری تحصیلی	۰/۲۲۴	۰/۲۳۵	۲/۲۷۸	۰/۰۰۱
۷	عزت نفس ← سازگاری تحصیلی	۰/۳۷۴	۰/۳۸۲	۴/۳۸۳	۰/۰۰۱

براساس نتایج جدول شماره ۲، همه ضرایب مسیر مدل نهایی به جز یک مسیر معنادار هستند. ضریب مسیر مستقیم سبک فرزندپروری سهل گیرانه و استبدادی و قاطع بر عزت نفس معنادار است (β=۰/۴۳۳ ،p<۰/۰۱ β=-۰/۲۴۶، β=۰/۴۳۳)، همچنین ضریب مسیر مستقیم سبک فرزندپروری استبدادی و قاطع بر سازگاری تحصیلی معنادار است (β=-۰/۳۳۶ ،p<۰/۰۱، β=۰/۲۲۴)، ولی ضریب مسیر مستقیم سبک سهل‌گیرانه بر سازگاری تحصیلی معنادار نیست. همچنین ضریب مسیر مستقیم عزت نفس بر سازگاری تحصیلی معنادار است (β=۰/۳۷۴ ،p<۰/۰۱)، جدول ۳، نتایج حاصل از روش بوت استروپ را برای روابط واسطه‌ای نشان می‌دهد.

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-10-09]

جدول ۳. ضریب غیر مستقیم مدل نهایی سازگاری تحصیلی با استفاده از روش بوت استروپ

مسیر	مقدار بوت استروپ	حد پایین	حد بالا	آماره t	خطای استاندارد	سطح معناداری
سبک فرزندپروری سهل‌گیرانه به سازگاری تحصیلی از طریق عزت نفس	۰/۱۶۲	۰/۰۵۹	۰/۲۹۴	۳/۱۸۳	۰/۰۴۵	۰/۰۰۸
سبک فرزندپروری استبدادی به سازگاری تحصیلی از طریق عزت نفس	-۰/۰۹۲	-۰/۱۶۳	-۰/۰۲۱	۲/۲۰۷	۰/۰۳۷	۰/۰۳۹
سبک فرزندپروری قاطع به سازگاری تحصیلی از طریق عزت نفس	۰/۱۶۲	۰/۰۴۰	۰/۳۰۷	۳/۰۵۲	۰/۰۴۴	۰/۰۱۱

نتایج مندرج در جدول ۳ نشان می‌دهد با توجه به اینکه صفر بیرون از فاصله اطمینان قرار می‌گیرد، اثر غیر مستقیم هر سه سبک فرزندپروری سهل‌گیرانه، استبدادی و قاطعانه بر سازگاری تحصیلی از طریق عزت نفس معنی دار بوده است.

در پژوهش حاضر برای بررسی مدل ساختاری از معیار ضریب تعیین (R^2) و معیار استون گیزر (Q^2) استفاده شده است.

جدول۴ – نتایج مقادیر R^2 و Q^2 برای متغیرهای مکنون درون زا

متغیر مکنون درون زا	ضریب تعیین (R^2)	معیار Q^2
سازگاری تحصیلی	۰/۴۸۰	۰/۳۸۴
عزت نفس	۰/۴۰۱	۰/۲۲۶
حد قابل قبول		**ضعیف** $=Q^2>۰/۰۲$
	$R^2>۰/۱۹$	**متوسط** $=Q^2>۰/۱۵$
		خوب $=Q^2>۰/۳۵$

همان‌طور که در جدول شماره ۴ قابل ملاحظه است، شاخص ضریب تعیین (R^2) و شاخص Q^2 برای تمامی متغیرها بالاتر از مقدار قابل قبول است، لذا می‌توان گفت مدل ساختاری با توجه دو شاخص مذکور از برازش مناسبی برخوردار است.

بحث و نتیجه‌گیری

هدف از پژوهش حاضر تعیین نقش میانجی عزت نفس در رابطه بین سبک‌های فرزندپروری و سازگاری تحصیلی بود. طبق یافته‌ها سبک فرزندپروری سهل‌گیرانه بر سازگاری تحصیلی اثری نداشته است. پژوهش‌های دیگر که اثرگذاری سبک‌های فرزندپروری را بر سازگاری تحصیلی سنجیده‌اند در مورد منفی یا مثبت بودن اثر سبک فرزندپروری سهل‌گیرانه بر سازگاری تحصیلی اتفاق نظر نداشتند؛ به عنوان مثال در پژوهش‌هایی نظیر، زارع زیاری (۱۴۰۰)، همچنین موحدزاده و همکاران (۱۳۹۷) این تأثیر را مثبت، و در پژوهش ابراهیمیان (۱۳۹۶) آن را منفی به دست آورده‌اند. در تبیین نتیجه به دست آمده می‌توان گفت پدر و مادر سهل‌گیر فرزندان خود را راحت می‌پذیرند و در روابط عاطفی با آنان بسیار مهرورز و صمیمی و خوش رو هستند. این والدین فرزندان خود را همیشه تایید می‌کنند و آن‌ها را از دیگران بهتر می‌دانند. آن‌ها بر فرزندان خود کنترل کمی داشته و توقع و انتظار زیادی از آنان ندارند یا اینکه اصلاً هیچ توقعی از آنان ندارند و همیشه فکر می‌کنند رفتار فرزندشان درست و بی‌عیب است و نیاز به اصلاح ندارد (شجری و همکاران، ۱۳۹۸). بنابراین می توان گفت والدین سهل‌گیر اثری بر سازگاری و اصلاح رفتار فرزندان به ویژه در زمینه تحصیلی ندارند.

همچنین نتایج پژوهش حاضر نشان می‌دهد سبک فرزندپروری استبدادی بر سازگاری تاثیر منفی و مستقیم داشته است. این نتیجه با نتایج پژوهش‌های زارع‌زیاری (۱۴۰۰)؛ حسین‌زاده (۱۴۰۰)، راستکار (۱۴۰۰) و بابایی و همکاران (۱۴۰۱) همسو بود. در تبیین این

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-10-09]

یافته می‌توان گفت والدین مستبد با تأکید بیش از اندازه بر اطاعت و کنترل بی‌چون و چرا تمایل دارند رفتار فرزندان را منطبق با معیارهای رفتاری مدنظر خود شکل دهند و در صورت سرپیچی از حربه تنبیه استفاده می‌کنند. این والدین در برخورد با فرزندانشان رابطه‌ی صمیمانه و عاطفی کمتری برخوردارند. بنابراین فرزندانشان نیز گرایش به نارضایتی، گوشه‌گیری، بی‌اعتمادی و ناامیدی دارند (ساسانی و فتحی، ۱۴۰۲). در نتیجه این موارد می‌تواند بر سازگاری دانش‌آموزان در محیط‌های آموزشی تاثیرگذار باشد.

به علاوه نتایج پژوهش حاضر نشان می‌دهد سبک فرزندپروری قاطع و اطمینان‌بخش بر سازگاری تاثیر مثبت و مستقیم دارد. این نتیجه با نتایج پژوهش‌های زارع‌زیاری (۱۴۰۰)؛ حسین‌زاده (۱۴۰۰)، راستکار (۱۴۰۰) و مون‌سئو و همکاران (۲۰۲۱) همسو بود. در تبیین این یافته می‌توان گفت والدین دارای سبک فرزندپروری قاطع و اطمینان‌بخش به علت آن که در طی تربیت فرزندانشان دستورالعمل‌های واضح و روشنی را به کار می‌بندند و نسبت به فرزندانشان رفتار گرم و صمیمانه‌ای دارند، در قبال مطالبات فرزندانشان معقولانه رفتار می‌کنند. بنابراین باعث ایجاد اثرات مثبتی در فرزندانشان می‌شوند که از جمله آن می‌توان به سازگاری در محیط آموزشی اشاره کرد (مون‌سئو و همکاران، ۲۰۲۱).

همچنین نتایج پژوهش حاضر نشان می‌دهد عزت نفس بر سازگاری تحصیلی اثر مستقیم دارد. این یافته با نتایج پژوهش شاکری (۱۴۰۱) و این[1] (۲۰۲۲) همسو بود. در تبیین این یافته می‌توان گفت عزت نفس سالم برای کودکان و نوجوانان مانند سپری در برابر چالش‌های دنیا عمل می‌کنند؛ افرادی که احساس خوبی در مورد خود دارند به آسانی تعارض‌ها را پشت سر می‌گذارند و در مقابل فشارهای منفی ایستادگی می‌کنند و به خوبی می‌توانند از زندگی لذت ببرند (شاکری، ۱۴۰۱). افراد دارای عزت نفس بالا به توانایی خود اطمینان دارند؛ بنابراین در رویارویی با مشکلات در خود قدرت برخورد شایسته با آن موانع می‌بینند. در واقع قدرت انطباق با موقعیت‌ها و شرایط جدید را بهتر از سایرین دارند و می‌توان انتظار داشت از سازگاری بیشتری برخوردار باشند (فاطمی‌پناه، ۱۴۰۱). در همین زمینه سطح پایین عزت نفس باعث بروز علائمی نظیر اضطراب، افسردگی، کاهش پیشرفت تحصیلی، مشکل در برقراری ارتباط با سایر افراد و سایر آثار منفی بر رفتار اجتماعی دانش‌آموزان می‌گردد (سبزه و مزرعه، ۱۴۰۱).

از طرفی نتایج پژوهش نشان می‌دهد سبک‌های فرزندپروری از طریق نقش میانجی عزت نفس بر سازگاری تحصیلی اثر غیرمستقیم دارد. اگرچه پژوهشی که روابط این سه متغیر را در یک مدل ساختاری مورد پژوهش قرار دهد، انجام نشده است. ولی نتایج این پژوهش به طور غیر مستقیم با نتایج پژوهش رضایی و ابراهیمی (۱۴۰۰) همسو بود. در تبیین این یافته می‌توان گفت والدین با سبک فرزندپروری مقتدر و سهل‌گیر، منجر به افزایش عزت نفس در دانش‌آموز می‌گردند؛ دانش‌آموزی که از عزت نفس مناسبی برخوردار باشد در برخورد با مسائل پیش رو در محیط آموزشی عملکرد مناسبی داشته، در واقع سازگاری بهتری دارد. در همین زمینه باید افزود، نوجوانان خانواده‌های سهل‌گیر، دارای عزت نفس و مهارت اجتماعی خوبی هستند (موحدزاده و همکاران، ۱۳۹۷). همچنین افراد تحت تربیت سبک مقتدرانه نیز به علت آن که والدینشان محیطی بسیار ساختارمند فراهم کردند و به ابراز احساسات فرزندان به والدین اهمیت ویژه‌ایی قائل شدند؛ دارای ارزیابی مثبتی از توانمندی‌های خود هستند و از عزت نفس بالایی برخوردارند (مون‌سئو، ۲۰۲۱)؛ سطح بالای عزت نفس نیز نتیجتاً می‌تواند به میزان مطلوبی از سازگاری در محیط‌های آموزشی منجر گردد. در خانواده‌هایی با سبک فرزندپروری مستبدانه، تمایلات فرزند نادیده گرفته می‌شود و این امر عزت نفس و ارزشمندی او را کاهش می‌دهد. کمبود عزت نفس نیز به نوبه خود دانش‌آموز را در برخورد با مشکلات آسیب‌پذیر نموده یا منجر به بروز رفتارهای ناسازگار با محیط می‌گردد؛ به عبارت دیگر سازگاری او را کاهش می‌دهد.

در نهایت بر اساس یافته‌ها می‌توان بیان داشت که سازگاری تحصیلی دانش‌آموزانی که والدینشان سبک فرزندپروری استبدادی دارند، کمتر است ولی سازگاری تحصیلی دانش‌آموزانی که والدینشان سبک فرزندپروری قاطع دارند، بیشتر است. در عین حال مشخص شد یکی از عوامل موثر در رابطه میان سبک‌های فرزندپروی و سازگاری تحصیلی دانش‌آموزان عزت نفس است. به این صورت که دانش‌آموزان با والدین سهل‌گیر یا قاطع، عزت نفس بیشتری نشان می‌دهند ولی دانش‌آموزان با والدین استبدادی عزت نفس کمتری دارند و در نتیجه دانش‌آموزان با عزت نفس بیشتر سازگاری تحصیلی بیشتری خواهند داشت. این روابط اثر مستقیم سبک‌های فرزندپروری بر سازگاری تحصیلی و اثر غیر مستقیم سبک‌های فرزندپروری بر سازگاری تحصیلی را از طریق نقش میانجی عزت نفس نشان می‌دهد. بنابراین باید برای افزایش سازگاری تحصیلی دانش‌آموزان بر پرورش عزت نفس آنان و آموزش سبک‌های فرزندپروری درست به والدین متمرکز شد.

از جمله محدودیت‌های پژوهش حاضر این بود که طرح پژوهش حاضر مدل‌یابی معادلات ساختاری از زیرمجموعه طرح‌های همبستگی بود. بنابراین، نمی‌توان روابط علّی بین متغیرها را نشان داد. پیشنهاد می‌شود در پژوهش‌های آینده از روش‌هایی که رابطه علّی را نشان

1. In

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-10-09]

می‌دهد، استفاده شود. با توجه به اینکه نمونه‌ی مورد پژوهش دانش‌آموزان دختر متوسطه اول شهر رودسر بودند، تعمیم نتایج به همه جمعیت دانش‌آموزی محدود می‌شود و پیشنهاد می‌شود در پژوهش‌های آینده متغیرهای مذکور بر روی دانش‌آموزان دختر و همچنین سایر مقاطع تحصیلی و در شهرهای مختلف به صورت مقایسه‌ای انجام شود. همچنین به والدین و اولیای آموزشی پیشنهاد می‌شود بر اصلاح سبک‌های فرزندپروری و تقویت عزت نفس دانش‌آموزان توجه ویژه نمایند.

منابع

ابراهیمیان، ر. (۱۳۹۶). *رابطه شیوه‌های فرزندپروری با اضطراب اجتماعی و سازگاری دانش‌آموزان دختر دوره دوم متوسطه شهر مرودشت*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، گروه علوم تربیتی دانشگاه آزاد اسلامی واحد مرودشت.

اسفندیاری، غ. (۱۳۷۴). *بررسی و مقایسه‌ی شیوه‌های فرزندپروری مادران وکودکان مبتلا به اختلالات رفتاری فرزندان*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، انستیتوی روان‌پزشکی تهران، دانشگاه علوم‌پزشکی ایران.

امامی میبدی، ا.، احدی، ب؛ و فرح بیجاری، ا. (۱۴۰۲). تدوین و آزمون مدل علی عزت نفس نوجوانان براساس رابطه والد-فرزندی و نیازهای بنیادین روانشناختی با میانجی‌گری خودپنداره. *روانشناسی بالینی و شخصیت، ۲۱*(۱)، ۱۲۰-۱۰۳. https://doi.org/10.22070/cpap.2023.15640.1181

بابایی، ا.، حسین‌زاده، ش.، گلستانی‌بخت، ط.، و احمدی، ع. (۱۴۰۱). پیش‌بینی سازگاری اجتماعی دانش‌آموزان براساس سبک‌های فرزندپروری،کمالگرایی و تفکر خلاق. *مجله مطالعات روانشناسی تربیتی، ۱۹*(۴۷)، ۱۵-۱. https://doi.org/10.22111/jeps.2022.7225

برخوری، ح؛ رفاهی، ژ.، و فرحبخش، ک. (۱۳۸۸). اثربخشی آموزش مهارت‌های مثبت‌اندیشی به شیوه گروهی بر انگیزه پیشرفت، عزت نفس و شادکامی دانش‌آموز پسر پایه اول. *رهیافتی نو در مدیریت آموزشی، ۱*(۳)، ۱۴۴-۱۳۱. https://dorl.net/dor/20.1001.1.20086369.1389.1.3.7.0

جوشن‌لو، م.، قائدی، غ. (۱۳۸۷). بررسی مجدد پایایی و اعتبار مقیاس حرمت خود روزنبرگ در ایران. *روانشناسی بالینی و شخصیت، ۶*(۲)، ۴۹-۵۶. https://dorl.net/dor/20.1001.1.23452188.1387.6.2.5.8

حسین‌زاده، ش. (۱۴۰۰). *رابطه فرزندپروری ادراک‌شده، کمال‌گرایی و تفکر خلاق والدین با سازگاری اجتماعی در دانش‌آموزان متوسطه اول مدارس شهر رشت*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، روانشناسی گرایش اسلامی (مثبت‌گرا) دانشگاه پیام نور مرکز رامسر.

راستکار، س. (۱۴۰۰). *رابطه‌ی سبک‌های فرزندپروری و شخصیت والدین با سازگاری و کمال‌گرایی دانش‌آموزان تیزهوش دوره متوسطه دوم*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، روان‌شناسی عمومی دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی دانشگاه تبریز.

رضایی، ف.، ابراهیمی، خ. (۱۴۰۰). رابطه سبک های فرزند پروری والدین با نشانگان درونی سازی و بیرونی سازی شده در دانش آموزان پسر دوره دوم ابتدایی با توجه به نقش میانجی عزت نفس، *فصلنامه روانشناسی و علوم رفتاری ایران، ۲۵*، ۱۲۹-۱۲۱. https://www.psyj.ir/user/articles/2969

زارع زیاری، ش. (۱۴۰۰). *بررسی ارتباط بین الگوی فرزندپروری و سازگاری اجتماعی در مدارس متوسطه غیرانتفاعی دخترانه شهرستان آمل*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده‌ی علوم تربیتی گرایش مدیریت آموزشی مؤسسه آموزش‌عالی غیردولتی – غیرانتفاعی آمل.

زارعی، ح. ع.، میرهاشمی، م.، و پاشا شریفی، ح. (۱۳۹۱). ارتباط سبک‌های تفکر با سازگاری تحصیلی در دانشجویان پرستاری. *مجله ایرانی آموزش در علوم پزشکی، ۱۲*(۳)، ۱۶۶-۱۶۰. https://ijme.mui.ac.ir/article-1-1881-fa.html

ساسانی، م.، و فتحی، ی. (۱۴۰۲). رابطه شیوه‌های فرزندپروری، سبک‌های تصمیم‌گیری و سازگاری خانواده با ناامیدی دانش‌آموزان دختر دوره متوسطه اول شهر عجب‌شیر. *مجله پیشرفت‌های نوین در روانشناسی، علوم تربیتی و آموزش و پرورش، ۶*(۱۹)، ۱۵۹-۱۴۸. https://jonapte.ir/fa/showart-e9dfa08f0f5d428e8d66fbf951540f54

سبزه، ب.، و مزرعه، ح. (۱۴۰۱). بررسی رابطه‌ی اختلال یادگیری ریاضی و عزت نفس دانش‌آموزان دوره‌ی ابتدایی. نشریه پویش در آموزش علوم انسانی دانشگاه فرهنگیان، ۸(۲۷)، ۱۲۲-۱۰۷. https://humanities.cfu.ac.ir/article_2305.html?lang=fa

شاکری، م. (۱۴۰۱). رابطه بین تنظیم شناختی-هیجانی و عزت نفس با سازگاری اجتماعی. *مجله مطالعات روانشناسی و علوم تربیتی*، ۸(۲)، ۳۳۸-۳۲۸. https://irijournals.ir/journals/06-Psychology/v8-i2-summer01/paper28.pdf

شاه‌کرمی، ف.، نادری، ف.، و بختیارپور، س. (۱۴۰۱). بررسی نقش میانجیگری سازگاری تحصیلی در رابطه بین خودتفسیری و بهره هوشی با عملکرد کنکور در دانشجویان. *نشریه علمی پژوهش در نظام‌های آموزشی، ۱۶*(۵۸)، ۳۵-۴۶. https://dorl.net/dor/20.1001.1.23831324.1401.16.58.3.4

شجری، خ.، حجازی، م. (۱۳۹۸). نقش میانجی سازگاری تحصیلی در رابطه بین سبک‌های فرزند پروری والدین با بلوغ عاطفی و ناگویی خلقی در دانش‌آموزان دختر شهر زنجان، راهبردهای توسعه در آموزش پزشکی، ۶ (۲)، ۳۸-۲۵. http://dx.doi.org/10.29252/dsme.6.2.25

فاطمی‌پناه، م. (۱۴۰۱). رابطه عزت نفس و انگیزش تحصیلی دانشجویان. *فصلنامه چشم انداز حسابداری و مدیریت*، ۵(۶۶)، ۵۳-۴۲. https://www.jamv.ir/article_156376.html

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-10-09]

محمدی، د.، قمی، م.، و عباسی، م. (۱۳۹۵). ارتباط راهبردهای فراشناختی، سازگاری تحصیلی و عملکرد تحصیلی دردانشجویان علوم پزشکی قم. *مجله ایرانی آموزش در علوم پزشکی*، *۱۶*(۴۸)، ۴۳۹ - ۴۳۰. http://ijme.mui.ac.ir/article-1-4077-fa.html

موحدزاده، ب.، کرمی، ز.، و یاوری کرمانی، م. (۱۳۹۷). بررسی رابطه شیوه‌های فرزندپروری و سازگاری تحصیلی با واسطه گری صبر. *علوم تربیتی: نشریه فرهنگی تربیتی زنان و خانواده*، *۱۳*(۴۵)، ۵۳-۳۷. https://dorl.net/dor/20.1001.1.26454955.1397.13.45.2.7

میکائیلی منیع، ف. (۱۳۸۹). رابطه سبک‌های هویت، تعهد هویت و جنسیت با سازگاری دانشجویان با دانشگاه. *مطالعات روانشناختی*، *۶*(۲)، ۵۱-۷۴. https://doi.org/10.22051/psy.2010.1570

مینایی، ا.، نیک زاد، س. (۱۳۹۶). ساختار عاملی و اعتبار نسخه فارسی پرسش نامه شیوه های فرزندپروری بامریند. خانواده‌پژوهی، ۴۹، ۱۰۸-۹۱. https://jfr.sbu.ac.ir/article_97546.html

نوشادی، س.، شیخ الاسلامی، ر. (۱۳۹۶). رابطه ی ساختار کلاس و سازگاری دانشجویان با دانشگاه: نقش واسطه ای فرسودگی تحصیلی. مجله *مطالعات روانشناسی تربیتی*، *۱۴*(۲۵)، ۱۲۳-۱۵۲. https://doi.org/10.22111/jeps.2017.3093

هومن، ح. (۱۳۸۴). *کتاب مدل‌یابی معادلات ساختاری با استفاده از نرم افزار لیزرل*، انتشارات سمت.

Adegboyega, L. O., Ibitoye, O. A., Okesina, F. A. & Lawal, B. M. (2017). Influence of Parenting Styles on Social Adjustment and Academic Achievement of AdolescentStudents in Selected Secondary Schools in Ogun Waterside Local Government of Ogun State. *Anatolian Journal of Education, 1*(2),11-20. https://files.eric.ed.gov/fulltext/EJ1244654

Baker, R. W. & Siryk B. (1984). Measuring Adjustment to College. *Journal of Counseling Psychology, 31*(2), 179-189. http://dx.doi.org/10.1177/0748175611400291

Baker, R. W., & Siryk, B. (1999). SACQ: *Student adaptation to college questionnaire: Manual*. Western Psychological Services.

Beyers, W., & Goossens, L. (2002). Concurrent and predictive validity of the Student Adaptation to College Questionnaire in a sample of European freshman students. *Educational and Psychological Measurement, 62*(3), 527-538. http://dx.doi.org/10.1177/00164402062003009

Burger, C. & Bachmann L. (2021). Perpetration and Victimization in Offline and Cyber Contexts: A Variable- an Person-Oriented Examination of Associations and Differences Regarding Domain-Specific Self-Esteem and School Adjustment. *Internatonal Journal of Environmental Research and Public Health, 18*(19). https://doi.org/10.3390/ijerph181910429

Buri, J. R. (1991). Parental authority questionnaire. *Journal of Personality Assessment, 57*, 110-119. http://dx.doi.org/10.1207/s15327752jpa5701_13

Greenberger, E., Chen, C., Dmitrieva, J. & Farruggia, S. P. (2003). Itemwording and the dimensionality of the Rosenberg Self-Esteem Scale: do they matter?. *Personality and Individual Differences, 35*(6), 1241-1254. https://doi.org/10.1016/S0191-8869(02)00331-8

Huis in't Veld, E. M. J., Vingerhoets, A. J. J. M. & Denollet, J. (2011). Attachment style and self-esteem: The mediating role of Type D personality. *Personality and Individual Differences, 50*(7), 1099-1103. http://dx.doi.org/10.1016/j.paid.2011.01.034

In, H. (2022). Longitudinal and Reciprocal Relationships between Self-Esteem, School Adjustment, and Happiness in Korean Secondary School Students. *School Psychology International, 43*(2), 135-155. https://doi.org/10.1177/01430343211072426

Martinez, I., Murgui, S., Garcia, O. F. & Garcia F. (2021). Parenting and adolescent adjustment: The ediational role of family self-esteem. *Journal of Child and Family Studies, 30*, 1184-1197. https://doi.org/10.1007/s10826-021-01937-z

Molu, N. G., Korkutan, M., Ceylan, B. & Aslan, T. K. (2022). The Relationship Between Family Communications and School Adjustment Levels of Male Adolescents Aged 14-19. *Journal of Teacher Education and Lifelong Learning, 4*(2). 289-299. http://dx.doi.org/10.51535/tell.1190836

Moon-Seo, S. K., Sung, J., Moore, M. & Koo, G. (2021). Important role of parenting style on college students' adjustment in higher education. *Educational Research: Theory and Practice,32*(2), 47-61. https://eric.ed.gov/?id=EJ1296527.

Rakhshani, T., Hamid, A., Kamyab, A., Kashfi, S. M. & Khani Jeihooni, A. (2022). The effect of parenting style on anxiety and depression in adolescent girls aged 12–16 years. *Heliyon, 8*. http://crossmark.crossref.org/dialog/?doi=10.1016/j.heliyon.2022.e11478&domain

Ratelle, C. F., Duchesne, S., Litalien, D. & Plamondon, A. (2021). The role of mothers in supporting adaptation in school: A psychological needs perspective. *Journal of Educational Psychology, 113*(1), 197–212. https://doi.org/10.1037/edu0000455

Rosenberg, M. (1965). *Society and the adolescent self-image*. Princeton, NJ: Princeton University Press.

Wang, L., Xian, Y., Dill, S. E., Fang, Z., Emmers, D., Zhang, S., & Rozelle, S. (2022). Parenting style and the cognitive development of preschool-aged children: Evidence from rural China. *Journal of experimental child psychology, 223*. http://crossmark.crossref.org/dialog/?doi=10.1016/j.jecp.2022.105490&domain

Zahra, S. M. & Naeem, F. (2021). Perceived parenting styles and primary attachment styles of single and children living with both parents. *Journal of the Pakistan Medical Association, 71*(6), 1-13. https://doi.org/10.47391/JPMA.626

Zhang, Y., Miller, M. & Halgunseth, L. C. (2023). Parenting styles and children's development: A review of the literature. *Encyclopedia of Child and Adolescent Health, 2*, 609-619. https://doi.org/10.1016/B978-0-12-818872-9.00082-0

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-10-09]